

و چنین نشد. به این اعتبار موفقیت در انتخابات آتی ریاست جمهوری نه در گرو حضور کاندیدایی سرشناس، بلکه در گرو توانایی گروه های مختلف در بسیج و جلب نظر اقبال جدیدی است که نمی توان همیشه سکوتشان را دال بر رضایتشان تلقی کرد.

م.ث.

### تجربه گروه تحقیق و مطالعات شهری و منطقه ای (۱۳۵۴-۱۳۶۴)

اولین هسته این گروه مطالعاتی در اوائل دهه ۵۰ در داخل گروه شهرسازی دانشکده معماری دانشگاه ملی (شهید بهشتی فعلی)، شکل گرفت. همه از استاد و دانشجو براین باور بودیم که شهر، آگاه می کند (و بر: شهر آزاد می کند). پس باید این پدیده آگاهی بخش را هرچه آگاهانه تر بشناسیم. و با این نیت، تنی چند از اعضاء گروه تجربه هائی را معرفی می کردند که خود در ایام تحصیل در خارج از ایران با آن انس گرفته بودند و بدین ترتیب اولین نشریه ها به صورت جزوه هائی لاغر، اندیشه های متفکران فرانسوی، انگلیسی و آمریکای لاتینی را معرفی کرد. دیدگاه مورد توافق گروه این بود که ساختار توسعه و روند لاجرم شهرنشینی جوامع توسعه یافته از جوامعی مانند ایران متمایز است. به همین دلیل معرفی و بسط نظرهای لاتینی بر ادامه سایر نظرات غلبه یافت. هدف، شاید هم آرزوی گروه این بود که همه

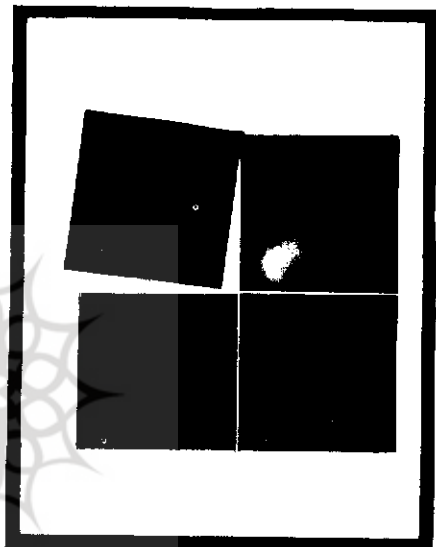
واقعیت ها عکس العملی درخور منافع خویش نشان خواهد داد. کسانی که خود را در این انتخابات پیروز می دانند، علاقه ای به تغییر وضعیت ندارند و بر این امیدند که بر همین زمینه موجود، موفقیت خود را در انتخابات ریاست جمهوری تکرار کنند. اما کسانی که نتیجه این انتخابات شکستی برایشان محسوب می شود، یعنی جمعی از کارگزاران سازندگی می باید به دنبال راهی باشند برای تغییر همین زمینه ای که به شکست انتخاباتی شان منجر شد.

پرسش این است که اینک آنان بر کدام یک از واقعیت های نامبرده تکیه خواهند کرد؟ به نظر می رسد که این افراد چشم خود را بر همه واقعیت ها بسته اند جز واقعیت نخست. به عبارت دیگر تنها راه موفقیت خود را در سرمایه گذاری بر محبوبیت هاشمی رفسنجانی می بینند و بس. یعنی به عوض آنکه در جستجوی تدبیری برآیند که از طریق آن بر ضعف های سیاسی خویش غلبه کنند، ترجیح می دهند این ضعف را در سایه محبوبیت هاشمی رفسنجانی پنهان سازند. و توسعه سیاسی کشور را به وقت دیگری واگذارند. این عمل علاوه بر اینکه به معنای ترجیح موفقیت کوتاه مدت بر تدارک زمینه ای است که موفقیت های میان مدت و بلند مدت را برای این گروه و کل کشور تضمین کند، به احتمال زیاد موفقیتی را که از آن انتظار می رود نیز به همراه نخواهد داشت. زیرا اگر توسل به محبوبیت هاشمی رفسنجانی کفاف بسیج مردمی لازم را برای پیشبرد برنامه های سازندگی می داد، ما باید شاهد موفقیت بی چون و چرای کارگزاران سازندگی در این انتخابات می بودیم

کالبدی- فضائی، اینها مفاهیمی بودند که به توسط اندیشمندان لاتینی و اروپائی معرفی شدند.

نزدیک به دهسال جلسه‌های کار، بحث و گفتگو هر هفته بطور منظم در منزل اعضاء گروه تشکیل می‌شد و در برخی از جلسات حضور صاحب‌نظران و علاقمندان مدعو به طرح مباحثی تازه و دیدگاه‌هایی نو منجر می‌شد. موضوع مورد شناسائی برای همه تجربه ایران بود، همه به یک عنایت واحد چشم دوخته بودیم اما در میان دو قطب متمایز از اندیشه‌های سیاسی- اجتماعی. یک دیدگاه معتقد بود که برای شناخت تجربه معاصر ایران می‌بایست از طریق درك چگونگی ادغام ایران در بازار جهانی و تدوین ساز و کارهای این ادغام شهر و شهرنشینی را شناخت و دیدگاه دیگر براین باور بود که شناخت شهر و شهرنشینی معاصر، مستلزم شناخت ساختارهای گذشته است، ساختارهایی که وضع ایران معاصر رارقم زده است. و دراین میان انواع نظریه‌های استبداد شرقی، تولید آسیائی، جوامع آبی، تقسیم بین‌المللی کار، تک‌محصولی شدن، قطع ارتباط ارگانیک شهر و روستا، روستائی شدن شهر و شهری شدن روستا، عصبیت و بادیه‌نشینی، سرمایه‌داری دولتی، پیشی گرفتن شهرنشینی بر صنعتی شدن، دولت اجاره‌خوار و شهرنشین خدمت‌مندی، توسعه درون‌زا و از این قبیل به میان می‌آمدند تا چهره‌های متعدد این عنایت واحد را به تصویر کشند و بطور ضمنی همه قبول داشتیم که شهر جلوه بارزی از همه تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

این نظرگاه‌ها را فراهم می‌آورد تا بتواند شرایط ایران را بسنجند، بشناسد و بررسی‌های مشخصی از موقعیت‌های مشخص ارائه دهد و بستری فراهم کند تا برنامه و تصمیم‌گیری‌ها براین مبنا شکل گیرد و به همین دلیل آخرین کتابی که از این گروه منتشر شد پویش شهرنشینی در ایران بود.



### گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای

دوران طفولیت گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای پیش از انقلاب سپری شد و اولین کتاب‌های دوران رشد گروه پس از انقلاب منتشر گشت. گروه مطالعاتی شهری و منطقه‌ای در چهار کتاب اول کوشید تا آنجا که ممکن است شهر و توسعه را براساس دیدگاه‌های مختلف و شاید هم متضاد مطرح کند. شهر به مثابه یک پدیده فرهنگی، شهر به مثابه یک پدیده سیاسی- اداری، شهر به مثابه یک پدیده اقتصادی- اجتماعی و بالاخره شهر به مثابه یک پدیده

اجتماعی منحصر می‌دیدند و آنانکه شهر را فقط کالبدی می‌دیدند.

در اواخر دهه ۵۰ و سال‌های اول دهه ۶۰ به تدریج تعدادی از کتاب‌های متفکران لاتینی مکتب توسعه ترجمه شد. از میان این متفکران فرناندو هنریک کاردوز امروز بر مسند ریاست جمهوری برزیل نشسته و بقیه در دانشگاه‌های معتبر جهان به تدریس اشتغال دارند. گروه مطالعات شهری و منطقه‌ای بعد از طرح دیدگاه‌های فلسفی و اجتماعی درباره شهر و توسعه به سمت مسائل اجتماعی معطوف به فضا متمایل شد و بیشتر این آثار از اقبال چاپ و انتشار بی‌نصیب ماندند. از آن میان می‌توان به کتاب **عدالت اجتماعی و شهر** اشاره کرد که دیوید هاروی نویسنده آن هم‌اکنون استاد کرسی جغرافیای دانشگاه جانز هاپکینز می‌باشد. برای ترجمه این آثار و یافتن معادل‌های مناسب، علیرغم سعی و سختگیری فراوانی که به عمل آمد و علیرغم وقت زیادی که اعضای گروه بدان اختصاص دادند، نتیجه چندان مطلوب نبود و ما هنوز در ابتدای راه بودیم و از کلنجارهای آکادمیک و روشنفکری بی‌نصیب. چندانکه حتی یک نقد هم درباره این آثار نوشته نشد.

فهرست کتاب‌های منتشر شده به قرار زیر می‌باشد:

- ۱- **مفهوم شهر** جلد اول انتشارات نشر ایران - مجموعه مقالات
- ۲- **مفهوم شهر** جلد دوم انتشارات نشر ایران - مجموعه مقالات
- ۳- **وابستگی و شهرنشینی** انتشارات

اکثریت ثابت اعضاء گروه مطالعاتی شهری و منطقه‌ای، شهرساز و معمار بودند و به ضرورت دریافته بودند که جای جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و اقتصاددانان در این گروه به شدت خالی است و اگرچه این جای خالی هرگز پر نشد و گروه مطالعاتی نیز دوران‌های بعد از رشد را تجربه نکرد، مع‌هذا در سال‌های اولیه انقلاب در بحث‌هایی که با معدود اقتصاددانان و جامعه‌شناسان علاقمند به مباحث شهر برگزار شد زمینه‌های دیدگاه جامعه‌شناسانه و اقتصادی شهری شکل گرفت و به نوعی در کارهای حرفه‌ای اعضاء در برنامه‌ریزی شهری و تدوین طرح‌های جامع شهرها انعکاس یافت.

بهترین بحثی که هنوز به قوت همان سال‌های پیش از انقلاب باقیست مربوط است به اینکه آیا فضا خود مبین است یا خیر؟ آیا برای شناخت فضا می‌بایست به غیر فضا رجوع کرد؟ یا از طریق بررسی سازمان فضائی شهر و مجموعه‌های زیستی می‌توانیم به شناخت درونی آنها نائل آئیم. سنوال برای اعضاء این بود که اگر شهر انعکاس کالبدی فعل و انفعالات سیاسی-اقتصادی و فرهنگی است، چگونه می‌توان مستقیماً از خود شهر، از سیما و کالبد و از نظم‌یابی یا بی‌نظمی فضائی آن به شناخت شهر نائل آمد.

در آن هنگام پاسخ غالب از طریق رجعت به مسائل غیر کالبدی بدست می‌آمد و فرصت یافتن جواب از طریق تجربه‌های کالبدی برای گروه میسر نشد و این ضعف مجدداً در عرصه حرفه، به شکل لاینحلی در دو قطب واگرا بازتاب یافت: آنانکه شهر را به روابط اقتصادی-

نشر ایران- نویسنده کاترین په

۴- اقتصاد سیاسی شهرنشینی انتشارات

نشر ایران- نویسنده پل سینجر

۵- توسعه و توسعه نیافتگی جلد اول

انتشارات نشر ایران- مجموعه مقالات

۶- توسعه و توسعه نیافتگی جلد دوم-

مجموعه مقالات

۷- توسعه و وابستگی در آمریکای

لاتین انتشارات تندر- نویسنده فرناندو هنریک

کاردوزو

۸- سرمایه داری پیرامونی انتشارات

تندر نویسنده لوئیز پرا

۹- پوشش شهرنشینی در ایران

انتشارات آگاه- نویسندگان فرخ حسامیان- گیتی

اعتماد- محمدرضا حائری

گروه مطالعات شهری و منطقه ای هرگز

به طور رسمی و حقوقی خود را به ثبت نرسانید

و هرگز برای مشارکت علاقمندان در بحث ها و

نشریات محدودیتی قائل نشد و هرگز به طور

رسمی انحلال خود را اعلام نکرد. هیچ دلیل

قانع کننده و هیچ علت قاطعی برای قطع شدن

تداوم فعالیت های گروه نمی توان مطرح کرد و یا

علت العللی را یافت که چرا اعضا این گروه که

تک تک آنها هم اکنون در تأسیس و راه اندازی

شرکت های مهندسی مشاور سهامی هستند

تمایلی به ادامه کار و انتقال تجربه به گروه نشان

ندادند. اکنون در میان همه اعضا ثابت جز یکی

که در خارج زندگی می کند بقیه به طور مجزا در

داخل کشور سرگرم فعالیت های حرفه ای هستند

و شاید ماه ها و سال هاست که علیرغم دوستی و

ارادت حتی دیداری نیز میانشان روی نداده است

و شاید در دلشان به این نتیجه رسیده اند که شهر

آزار می دهد شهر پراکنده می کند .

محمدرضا حائری

## تفاهم بزرگ

به مناسبت نمایشگاه نقاشی منوچهر صفرزاده

۶/۱۵ تیرماه ۷۵

تصاویری از پرده های تیسین، فرانسوا

بوشه، گویا در پرده های صفرزاده به کار گرفته

شده اند ولی نه به صورت بازنمایی و تقلید ساده و

محض، بلکه جزئی از جهانی شده اند که او در

پرده های خویش آفریده است .

در پرده های صفرزاده طبیعت عرصه ای است

که موجودات (آدم ها و شبه آدم ها) در آن حضور

خود را اعلام می کنند، ولی سواي حضور این

موجودات، نحوه ارتباطی که بین آنهاست رازدار

و پراهمیت است. به گفته براك «موجودات را به

کناری نهیم و روابطشان را در نظر بگیریم.»

در این صورت سنگینی رازغربی را در پرده های

صفرزاده حس می کنیم که تلخی آن توسط

اندام های زیبا کاسته می شود. . . . اما به محض

اینکه می خواهید زیبایی آن اندام ها را تحسین

کنید ناگهان . . .

. . . ناگهان شبخی، بدقواره ای یا شکلکی

می بینید نزدیک تراز شما و قبل از شما یا چشمانی

پرمهر، به همان زیبایی ها می نگرد. شاید

کابوسی است که پرده پندار رامی درد. . .

- آنها کابوس نیستند، خیلی هم رثوف اند و

نگاه های محبت آمیز و شیرینی هم دارند و

کتب و نشر